

۱۲ آموزه‌های اخلاقی در سنت ادبی | بخشعلی قبری

۱۰ من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم | مهید سمرمدی

۱۲ ما را بس است... | مصطفی رحماندوست

۱۰ با وجود صد تیر، یک شاخ بی بر نشکنیم!

شرح دیدگاه مثنوی ادبیات فارسی در مورد محیط زیست کار آسانی نیست. به یک معنا، مسائل مربوط به محیط زیست در مثنوی نظم و نثر فارسی که آینه فرهنگ ما است...



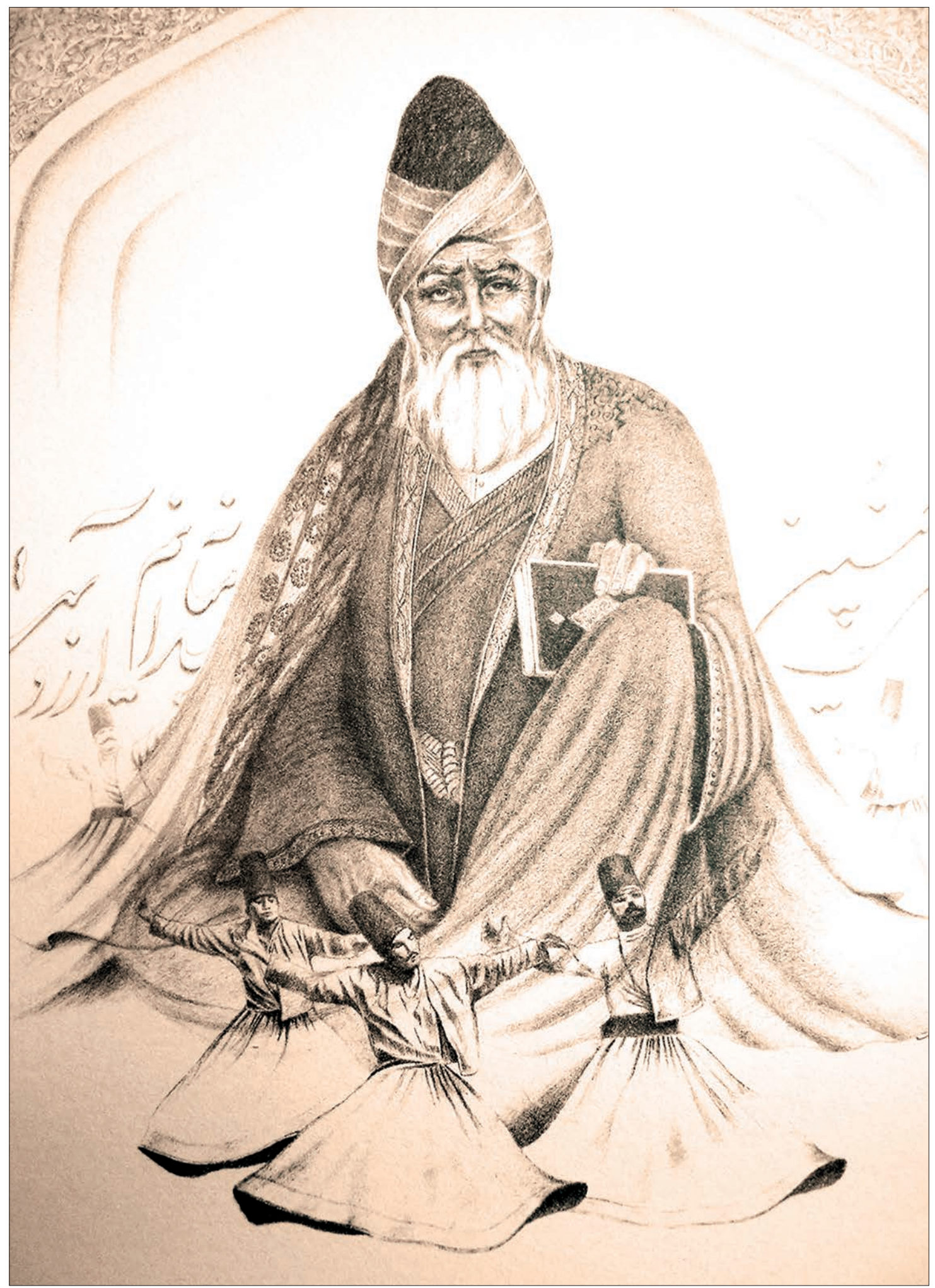
۱۲ ادبیات ایران یکسره عبرت است

آنطور که اهلالی فن و پژوهشگران می‌گویند، در سنت ادبی ایران، رگه‌های پرنگی از اخلاقیات به وفور دیده می‌شود. آثار مختلفی در این زمینه وجود دارد که می‌توان وجود چنین مواردی را...



خطر فراموش شدن سنتی به پهنای تاریخ

چرا به این ادبیات بالیم



یادداشت ۱

سنت ادبی - اخلاقی ایرانیان

که توسط عنصرالمعالی برای پسرش گیلانشاه نوشته شده از این نمونه‌هاست. تا همین اواخر در دوره مشروطیت، «کتاب احمد» از زمره کتاب‌های معاصرین است که درباره آداب زندگی کردن و اخلاق نوشته شده است. حتی نکته‌ای را از یکی از کتاب‌های اخلاقی قدیم اشاره کنم که خالی از لطف نیست؛ در کتاب قابوسنامه، امیر عنصرالمعالی حتی نصیحتی در امور جزئی می‌کند. او در جایی از این کتاب به پسرش اشاره می‌کند که وقتی حمام می‌کنی، نباید با سر خیس جلو میهمان حاضر شوی و در محضر او بنشین؛ یا وقتی میهمان داری، سعی کن جلوی میهمان بنشین و با او صحبت کنی تا او خجالت نکشد و احساس غریبی نکنند. با این توضیح در سنت ادبی ایران زمین، نکات ظریف اخلاقی از جمله رعایت اخلاق میهمانی، سلوک بخشندگی و... به صورت ویژه و دامنه‌دار مورد توجه قرار گرفته است. به



عبدالجبار کاکایی
شاعر

اثبات این موضوع که سنت ادبی ایران از این منظر که در درون خود به موضوعاتی اخلاقی، اشارات مفصلی داشته و در بیشتر آثار کهن، رد پای این تنوع ارزش‌ها دیده می‌شود، بسیار سهل است. اگر قرار باشد از منظر زمانی این موضوع را بررسی کنیم، بخشی از این ادبیات مربوط به پیش از اسلام است یعنی قبل از این که ایرانی‌ها اسلام را بپذیرند، در همان آیین‌های پیش از اسلام (آیین زرتشتی یا آیین‌های پیش زرتشت) بر اساس بقایا و اسنادی که به جا مانده، پرداختن به موضوعات اخلاقی مانند راستگویی، خوب کرداری، راست گفتاری و دیگر ملاحظات اخلاقی

«مال دنیا همینه اکتاری بنشین و به اندازه نیاز و روزیت بردار؛ اگر چشم طمع به هم‌هات بدوزی مثل آن مگس خواهی شد که وسط گیر کرده» این جاست که می‌بینیم این تیب آدم‌های اخلاقی قراین و شواهد را در اطراف می‌دیدند و اسلوب و معادله می‌کردند و درس اخلاق می‌دادند. از این روست که باتوجه به وجود موارد متعدد، جامعه گذشته ما جامعه اخلاقی‌ای بوده و طبقات، طبقاتی بوده‌اند که مصونیت اخلاقی داشتند و کمتر دچار فساد می‌شدند

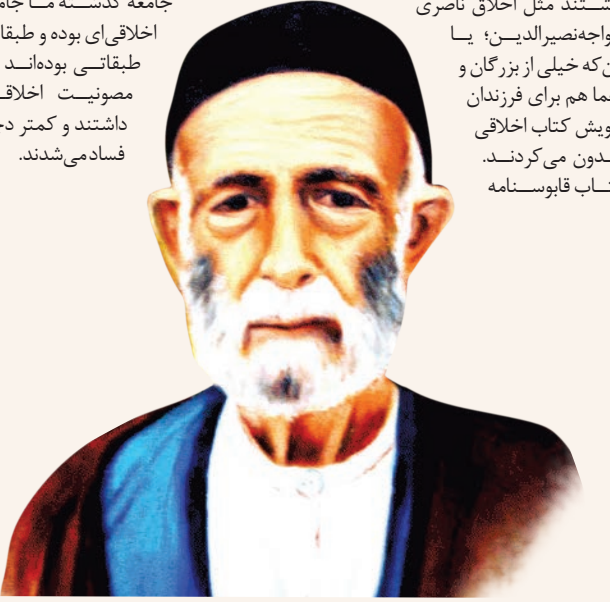
بین ایرانیان مرسوم بوده، در دوره‌ای هم که به پذیرش اسلام منجر شد، صفات اخلاقی مورد توجه دین اسلام بود؛ جدای از این بستر تولید، تفکر صوفیانه در ایران بر مبنای گرایش بین آیین‌های پیش از اسلام به اصول اخلاقی و جوانمردی، سبب شد طبقه خاصی به نام فتیان بین طبقات اجتماعی ایران ظهور کنند. در بین اصناف آن زمان، هر صنفی برای خودش فتوت‌نامه‌ای داشت که در آن، عادات صنف خود را با ملاحظات اخلاقی مانند آداب

همین دلیل وقتی این نوع ادبیات نام‌گذاری شد، از آن پس منتقدان ادبی از آن، به نام «ادبیات تعلیمی و ارشادی» یاد می‌کنند. آنچه مسلم است، جامعه ایرانی در گذشته جامعه اخلاق‌مدارتری بوده است. یکی از موضوعات و سوالاتی که مطرح می‌شود این است که ادبیات گذشته ما بر زیست‌اخلاقی گذشتگان تأثیر داشته و در صورت مثبت بودن این پاسخ، تأثیرش چقدر بوده است؟ درباره این موضوع باید گفت: قطعاً وجود

خرید و فروش، رعایت حقوق مشتری و... آموزش می‌دادند و کسی که آموزش می‌دید، می‌توانست بین جامعه آن صنف حضور یابد و در آن مشغول به کار می‌شد؛ حتی برخی از اصناف هم در آن زمان بودند (مثل صنف قصابان) که به لحاظ نوع شغلشان راهی در طبقه عیاری و جوانمردی نداشتند. با این توضیح، ملاحظات اخلاقی همیشه بوده، چه پیش و چه بعد از اسلام؛ در ادبیات فارسی بعد از اسلام هم بخش ویژه‌ای به نام ادبیات تعلیمی و ارشادی توسط بسیاری از شاعران دنبال می‌شده است. مولانا در رسائلش، در فیه‌ما فیه‌اش و نیز در مثنوی گراشتگش بر مبنای فقه اسلام، به اخلاقیات توجه کرده و همچنین شاعری مانند سعدی که فقیه و واعظ بوده و نیز شیخ آداب صوفیه در شیراز بوده، ملاحظات اخلاقی گسترده‌ای داشته است. ایشان در دو کتاب بوستان و گلستان که هر کدام ۹۸ باب درباره اصول اخلاقی مثل احسان، نیکی کردن، بخشندگی و اخلاق را با توجه به طبقه‌بندی که از مردم به عمل می‌آوردند، مانند نخبگان، امرا و زعما و حکومت‌دارها، هر کدام را به نوعی توصیه به اخلاق می‌کردند؛ سعدی رعایا را به نوعی و زهاد، متدینین و مراجع دینی را نیز در واقع به نوع دیگری توصیه به اخلاق می‌کرد؛ اهل ادب آنها را بی‌نصیب نمی‌گذاشتند و با آسیب‌شناسی‌ای که نسبت به دین داشتند، با ریاکاری و... مقابله می‌کردند. به هر حال بخشی از آنها رسائل و کتاب‌هایی داشتند مثل اخلاق ناصری

افراد خاص نشانه اثر گذاری این نوع ادبیات بر اخلاق جامعه ما بوده است. یکی از افرادی که در دوره معاصر از او در بین جوانمردان و فتیان یاد می‌شود، «مرحوم حاج مرشد چلوبی» است در بازار تهران. تالیلی مغازه او «نسیه و وجه‌دستی داده می‌شود» معروف است. وجود چنین آدم‌های اخلاقی مدار نشان می‌دهد، تعلیمات اخلاقی این آدم‌ها را برجسته می‌کرده و در احوالات ایشان، نکات و ظرایف اخلاقی ویژه‌ای وجود دارد که خیلی جالب است؛ من به واسطه نسبت سببی با ایشان، شنیده‌هایی هم از او دارم. از احوالات حاج مرشد یکی نقل این است که گاهی اوقات تمثیل‌هایی را بیان می‌کرد که برای اطرافیان درس اخلاق بوده است. یکی از این نمونه‌ها این است که روزی شیر خرمای گوشه‌ای ریخته بود و تعدادی مگس دور آن جمع شده و هر کدام از آن تناول می‌کردند و می‌رفتند.

یکی از مگس‌ها وسط این شیر خرمای کرده و مانده بود و دست‌وپا می‌زد. حاجی به آن مگس اشاره کرد و به اطرافیان گفت: «مال دنیا همینه اکتاری بنشین و به اندازه نیاز و روزیت بردار؛ اگر چشم طمع به هم‌هات بدوزی مثل آن مگس خواهی شد که وسط گیر کرده» این جاست که می‌بینیم این تیب آدم‌های اخلاقی قراین و شواهد را در اطراف می‌دیدند و اسلوب و معادله می‌کردند و درس اخلاق می‌دادند. از این روست که باتوجه به وجود موارد متعدد، جامعه گذشته ما جامعه اخلاقی‌ای بوده و طبقات، طبقاتی بوده‌اند که مصونیت اخلاقی داشتند و کمتر دچار فساد می‌شدند.



وقت که زمینه‌ای برای دیدن مشت‌های خروار فراهم نشود بالیدن به سنت ادبی که برخی از مردم یک کشور و خاصه جوانان ملک با آن آشنایی ندارند از بی فایده بودن کاری عبث با فراتر نمی‌گذارد. آنچه در این پرونده به آن اشاره شده، مجموعه‌ای از باورمندی‌های مردمان این سرزمین است که خطر فراموش شدن را در این روزگار با خود یدک می‌کشند. ویژگی‌هایی نظیر نکوهش ریا و دورویی، تبیین نگاه قدمای ادب ما به مفاهیمی مثل محیط زیست و به صورت عام تر طبیعت پیرامون، توجه به عرفان‌های شخصی و عملی و اهمیت تربیت و تعلیم در کلام ادیبانی همچون شیخ اجل سعدی شیرازی و بالاخره نیکی و نیکوکاری در ادبیات ایران زمین تنها بخشی از نکاتی است که ما را از داشتن چنین نگاه ژرفی در بین ادیبان مان مسرور می‌کند و گنجینه‌ای عظیم برای زندگی در دنیای امروز را بر سر راه ما قرار می‌دهد.

می‌دانندش اما عمل بدان‌ها، بعید است و ناشدنی. در اینکه نام سعدی شیرازی و شعر معروفش را بر سر در سازمان ملل زده اند شکی نیست. از سوی دیگر اقبال جامعه جهانی به شخصیتی همچون مولانا و اقبال شاعر نامداری چون گوته، به حافظ شیرازی گواه ظرفیت‌های موجود در این ادبیات است. اما آنچه نیت اصلی برای فراهم کردن پرونده پیش رو است پرداختن به نکات جزئی بود که از گرد و خاک کلی‌گویی‌های مرسوم مصون مانده بودند. پرداختن به شاخصه‌های موجود در ادبیات ایران و آموزه‌های اجتماعی موجود در این سنت ادبی کار چندان آسانی نیست. پرونده پیش رو در تلاش است تا به برخی از این شاخصه‌ها که صرفاً به عنوان نمونه آمده‌اند، بپردازد. در پاسخ به این سوال که کار کرد چنین بحثی در کدام نکته نهفته است باید گفت تا زمانی که آموزه‌های ادبی خود را به خوبی نشناسیم و تا آن

صفحات «طرح نو» این شماره به نگاهی گذرا به زوایای اجتماعی - اخلاقی سنتی اختصاص دارد که از پویاترین و پالنده‌ترین سنت‌های ادبی جهان است؛ سنت ادبی ایران! و آموزه‌های زیستی موجود در آن. «فرهنگ و ادبیات کشور ما هدیه ارزنده‌ای است که از پدران نیک اندیش به یادگار مانده است». شنیدن این جمله تکراری از تربیون‌های مختلف تا آن حد تکرار شده که میل پرداختن به موضوع را از مخاطب گرفته است لیکن چه می‌توان کرد که در عصر مخاطب سالاری هم شاید بتوان چیزی فراهم آورد ماورای خواست مخاطب. درست است که کلی‌گویی‌های مطرح شده در مورد این یادگار قابل اعتنا (سنت ادب ایران) اجازه نمی‌دهد شهروند ایرانی یا را از پوسته فراتر بگذارد و آموزه‌های کاری پدران نیک نام را در زندگی عملیاتی کند اما مضاف بر این کلی‌گویی‌ها نیز زوایایی وجود دارد که گرچه خیلی‌ها